



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری

سال ششم، شماره‌ی ۲۲، پاییز ۱۳۹۶

صفحات ۲۹-۸

نقش صنعت گردشگری در ایجاد نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور^۱

محمدباقر بهشتی^۲

پرویز محمدزاده^۳

خلیل قاسملو^۴

تاریخ دریافت: ۱۱/۰۴/۹۶ تاریخ پذیرش: ۱۸/۰۹/۱۳۹۶

چکیده

بسیاری از برنامه‌ریزان توسعه، از توسعه صنعت گردشگری به عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند که می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، نقاط قوت و ضعف، نقش موثری توسعه و تنوع بخشی به اقتصاد ملی و منطقه‌ای داشته باشد. یکی از نتایج مهم توسعه این بخش، تاثیر آن بر تغییرات درآمدی و توزیع درآمد در بین مناطق و اثرات اقتصادی و اجتماعی آن می‌باشد. هدف این مطالعه بررسی رابطه‌ی بین توسعه صنعت گردشگری و نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور است. برای تخمین مدل پیشنهادی از رگرسیون داده‌های تابلویی به روش اثرات ثابت زمانی و مقطعی برای دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۳ استفاده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده، بین توسعه صنعت گردشگری و نابرابری درآمدی در بین استان‌های، رابطه معنی‌دار و منفی وجود دارد و توسعه این صنعت با شکل و ماهیت فعلی باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های شده است. در کنار متغیر فوق توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی، افزایش سرانه هزینه‌های بودجه عمومی دولت باعث کاهش و تولید و صادرات کالاهای صنعتی باعث افزایش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور شده است.

واژه‌های کلیدی: نابرابری درآمدی، توسعه صنعت گردشگری، استان‌های کشور، داده‌های تابلویی.

^۱ مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکتری دانشگاه تبریز با عنوان نابرابری منطقه‌ای و تغییرات ساختاری در اقتصاد ایران می‌باشد.

^۲ نویسنده مسئول: استاد اقتصاد، دانشگاه تبریز (Dbeheshti@gmail.com)

^۳ دانشیار اقتصاد، دانشگاه تبریز

^۴ دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه تبریز

مقدمه

نابرابری درآمدی بین استان‌های کشور موضوع مهم برای سیاست‌مداران، اقتصاددانان و جغرافی‌دانان بوده و باعث عدم تعادل‌های بعدی در استقرار جمعیت، سرمایه‌گذاری، مشکلات اجتماعی و سیاسی و تشدید بحران‌های زیست محیطی می‌شود لذا شناسایی علل ایجاد نابرابری درآمدی گامی مهمی برای حل خردمندانه مسئله و یا تخفیف آن می‌باشد.

در طی دهه‌های گذشته صنعت گردشگری یکی از منابع رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بوده است این صنعت با داشتن سریع‌ترین رشد در بین بخش‌های اقتصادی، در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگترین صنایع در جهان می‌باشد (شورای جهانی گردشگری و سفر^۱، ۲۰۱۱). صنعت فوق باعث ایجاد رشد اقتصادی مثبت از طریق کسب درآمدهای خارجی، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، کسب درآمدهای مالیاتی و ایجاد فرصت‌های جدید برای اشتغال نیروی کار، برای شهروندان و دولت‌ها شده است (سینکلر^۲ ۱۹۹۸: ۳ و آلام^۳ ۲۰۱۶: ۱۱۲). اگر اثرات این رشد شامل تمام استان‌های کشور شود باعث کاهش نابرابری درآمدی شده در غیر این صورت منجر به شکاف‌های درآمدی در بین مناطق و استانها خواهد شد.

در ایران نابرابری درآمدی بر اساس معیار درآمد سرانه در بین استان‌های کشور در حال افزایش است این وضعیت موجب مهاجرت جمعیت از استان‌های مرزی و پیرامون به استان‌های مرکزی کشور شده است تشکیل نقاط مرکز در حوزه مرکزی ایران و توسعه قطبی وار فعالیتها در کشور، باعث ایجاد نابرابری در سایر جنبه‌ها از جمله فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و ... شده و تهدیدی جدی برای ثبات اجتماعی و سیاسی کشور می‌باشد. برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور به صورت بخشی تنظیم و تصویب می‌شوند و توجه چندانی به توسعه هماهنگ بین بخشی و منطقه‌ای برای متعادل کردن درآمد سرانه استان‌ها مشاهده نمی‌شود لذا سؤال اساسی این است که آیا توسعه بخش گردشگری با ماهیت فعلی، یک روش موثر برای کاهش نابرابری درآمدی بین استان‌های کشور است. در این راستا هدف این مقاله بررسی تجربی رابطه بین توسعه صنعت گردشگری و نابرابری درآمدی بین ۳۱ استان کشور در دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۳ می‌باشد. لذا فرضیه اساسی این پژوهش عبارت است از: توسعه صنعت گردشگری باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور می‌شود. این مطالعه در پنج بخش تنظیم شده است: در بخش اول به مقدمه اشاره شده است. بخش دوم به مرور مبنای نظری موضوع و در بخش سوم روش شناسی تحقیق ارائه می‌شود در بخش چهارم تجزیه و تحلیل آمار، اطلاعات و معیارهای مورد استفاده و عملکرد متغیرهای اصلی موضوع تحقیق و مدل پیشنهادی معرفی و نتایج تجربی ارائه شده است و در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادهای مربوطه آورده شده است.

¹ World Travel and Tourism Council

² Sinclair

³ Alam

ادبیات موضوع

مبانی نظری ارتباط بین توسعه صنعت گردشگری و نابرابری منطقه‌ای

گردشگری، از دو طریق مستقیم و غیرمستقیم (با تاثیر بر رشد اقتصادی) بر نابرابری درآمد تاثیر می‌گذارد. صنعت گردشگری به عنوان یکی از پردرآمدترین صنایع جهان در سالهای اخیر، با درآمد بالایی که داشته توانسته است برای فقرا نیز ایجاد شغل نماید. درآمدهای حاصل از این صنعت با اشتغال زایی و فقرزدایی می‌تواند یکی از عوامل تاثیرگذار بر کاهش نابرابری درآمدی بوده و منجر به گسترش عدالت شود. اما لازم به ذکر است در حالی که گردشگری مزایای اقتصادی فراوانی به همراه دارد، این امکان نیز وجود دارد که تورم و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را به همراه داشته باشد و یا ممکن است موجب کمبود کالاهایی برای مردم بومی گردد (مسی^۱، ۲۰۰۱).

در بسیاری از تحقیقات گذشته از رشد اقتصادی به عنوان نتیجه عمده گسترش صنعت گردشگری یاد شده و کمتر به اثرات اقتصادی و اجتماعی گسترش این صنعت پرداخته شده است. توسعه صنعت گردشگری در برخی از مناطق کشور می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر معیار نابرابری درآمدی داشته باشد برای نمونه (بارتیک^۲ ۱۹۹۱: ۱۸) بر اساس تحقیقات خود به این نتیجه رسید که گردشگری باعث افزایش فعالیت‌های محلی و افزایش ارزش افزوده آنها می‌شود و این امر توزیع درآمد را در بین مناطق بدتر می‌کند دلیل اصلی به وجود آمدن این وضعیت، بالا رفتن ارزش دارایی‌های مناطق توسعه یافته در نتیجه ارائه خدمات گردشگری می‌باشد. همچنین (استبلر^۳ و همکاران ۲۰۱۰: ۲۵) معتقد هستند که گسترش صنعت گردشگری در مناطق مشخص، باعث به کار گیری نیروی کار و منابع این مناطق شده و باعث سرازیر شدن منافع گسترش صنعت به این مناطق می‌شود و یا (ویلیامز و شاو^۴ ۱۹۹۱: ۳۴) معتقد هستند که توسعه صنعت گردشگری باعث توزیع مجدد منافع حاصل از توسعه از مناطق مرکزی به مناطق پیرامون و کمتر توسعه یافته می‌شود. گسترش صنعت گردشگری در مناطق کمتر توسعه یافته کشور می‌تواند به عنوان ابزاری برای کاهش نابرابری در بین مناطق کشور مورد استفاده قرار گیرد اهداف این روش که به روش توسعه گردشگری به نفع فقرا نامیده می‌شود اطمینان از ارائه خدمت گردشگری توسط مناطق فقیر می‌باشد معمولاً این روش توسط دولت‌های اجراء می‌شود که عمده درآمد آنها متکی به گردشگری می‌باشند در این روش گردشگری به عنوان ایجاد و تقویت کننده فرصت‌های اشتغال و منتفع شدن گروه‌های منتخبی از جامعه که درگیر ارائه خدمات گردشگری می‌باشند در نظر گرفته می‌شوند و در نهایت رونق فعالیت‌های گردشگری باعث افزایش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود که خود یک ابزار

¹ Masse

² Bartik

³ Stabler

⁴ Williams and Shaw

توزیع مجدد می‌باشد نحوه عمل دولت‌ها در هزینه‌کرد این درآمدها، اثرات متفاوتی روی رفاه و نابرابری درآمدی بین مناطق خواهد داشت .

در زمینه ارتباط کلی بین گردشگری و نابرابری درآمدی در بین محققان اختلاف نظر وجود دارد، به گونه‌ای که عده ای از آنها نظیر (بلیک^۱ و همکاران، ۲۰۰۸) معتقدند که گسترش این صنعت نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد و توزیع درآمد را بهبود می‌بخشد، اما افرادی دیگر نظیر (لی، ۲۰۰۸) معتقد هستند که در کشورهای مرتبط با فعالیت‌های گردشگری، نابرابری درآمدی بزرگتر از کشورهای است که تاثیرپذیری کمتری از این صنعت دارند. بنابر این می‌توان گفت صنعت گردشگری دارای تاثیرات مثبت و منفی بر جامعه میزبان بوده و اندازه این تاثیر به عوامل متعددی بستگی دارد. آثار مستقیم و غیر مستقیم توسعه گردشگری، به نحوه توزیع درآمدهای حاصل از آن بستگی دارد که این به نوبه خود به مالکیت و چگونگی بهره‌برداری از منابع و امکانات حوزه گردشگری هر منطقه وابسته است. به عبارت دیگر کاربرد نسبی عوامل تولید علاوه بر بازدهی هر عامل، به نوع گردشگری ارائه شده در هر منطقه بستگی دارد. در کشورها یا مناطق کمتر توسعه یافته‌ای که صنعت گردشگری در آنها در مراحل مقدماتی است، این صنعت عموماً اشتغالزا بوده است. در کشورهایی که از نظر صنعت گردشگری کمتر توسعه یافته هستند، توسعه صنعت گردشگری نیاز به سرمایه‌گذاری ثابت در سیستم‌های حمل و نقل، توسعه تفریح‌گاه‌ها و اقامتگاه‌ها دارد. به این ترتیب درآمد حاصل از گردشگری بستگی به ماهیت عرضه سرمایه و نحوه استفاده از آن منابع دارد (راسخی و محمدی، ۱۳۹۶: ۳۱۹).

بخش گردشگری اقتصاد نزدیکی با بخش‌های دیگر از جمله کشاورزی، زیرساختها و خرده‌فروشی دارد و توسعه این بخش دارای اثرات مثبت خارجی بر بخش‌های دیگر اقتصاد دارد. همچنین توسعه گردشگری می‌تواند باعث ارتقای بهره‌وری صنایع از طریق اثرات جان‌شینی صنعتی شده و باعث ایجاد تغییرات ساختاری در اقتصاد شود (کادیالی^۲ و کوسوا^۳ ۲۰۱۳: ۲۷۶).

به طور کلی می‌توان که دو ایده متفاوت در خصوص نقش توسعه صنعت گردشگری بر نابرابری منطقه‌ای وجود دارد تفکر اول این است که توسعه صنعت گردشگری نابرابری منطقه‌ای را کاهش می‌دهد در این راستا معمولاً فرض می‌شود که مناطق پیرامون یا کمتر توسعه یافته مازاد جذب گردشگر دارند و این شرایط باعث می‌شود که منافع حاصل از توسعه کشور از مناطق مرکزی و توسعه یافته به سمت مناطق کمتر توسعه یافته سرازیر شود و نقطه مقابل ایده فوق این است که توسعه صنعت گردشگری باعث افزایش نابرابری منطقه‌ای می‌شود براین اساس توزیع ناهمگون زیرساخت‌های گردشگری در مناطق مشخص، باعث افزایش نابرابری‌های منطقه‌ای بین مناطق ثروتمند و کمتر توسعه یافته می‌شود. (لی^۴ و همکاران، ۲۰۱۶: ۸۴) .

¹ Blake

² Kadiyali

³ Kosová

⁴ Li

پیشینه تحقیق

گویمن^۱ در مطالعه‌ای در سال ۲۰۰۲ در کشور ترکیه به این نتیجه رسیدند که عامل اصلی نابرابری منطقه‌ای در این کشور به ظرفیت متفاوت پذیرش گردشگر بین المللی هر منطقه از این کشور بستگی دارد در این کشور در مناطق ساحلی مستعد، سرمایه‌گذاری‌های خوبی در خصوص پذیرش گردشگر بین المللی انجام گرفته است در نتیجه اقدامات فوق نابرابری درآمدی در بین مناطق ساحلی و داخلی این کشور افزایش یافته است.

مشابه شرایط فوق برای کشور یونان نیز اتفاق افتاده است (لیگرووس^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). در مقابل نمونه‌های متفاوت نیز وجود دارد (پورنکا^۳ و سوکیازیس^۴) در سال ۲۰۰۸ بر اساس مدل همگرایی شرطی به این نتیجه رسیدند که توسعه صنعت گردشگری بین‌المللی تاثیرات فوق العاده‌ای در خصوص کاهش شکاف‌های درآمدی بین کشورهای اسپانیا، ایتالیا و پرتغال داشته است همچنین پورنکا و سوکیازیس در مطالعه دیگری در سال ۲۰۰۸ نشان دادند که توسعه گردشگری، نرخ همگرایی درآمدی در بین مناطق مختلف کشور پرتغال را افزایش داده است. در کشور چین ون و تیسدل^۵ در سال ۱۹۹۶ با استفاده از مدل مقطع زمانی، توزیع منطقه‌ای صنعت گردشگری را با متغیرهای اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که استقرار صنعت گردشگری در نواحی خاصی از کشور چین منجر به افزایش شکاف درآمدی در بین مناطق مختلف این کشور شده است. ماسیده^۶ و اتوزه^۷ (۲۰۱۲) در یک مطالعه بین کشوری، انواع گردشگری را به گردشگری داخلی و خارجی تقسیم کردند و به این نتیجه رسیدند که در اکثر کشورهای دنیا تعداد گردشگران داخلی بیشتر از تعداد گردشگران خارجی است، بنابر این گردشگری داخلی ظرفیت خوبی برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در بین مناطق یک کشور دارد. اسکلمن در مطالعه‌ای دیگری در سال ۲۰۰۲ در کشور ترکیه به این نتیجه رسید که شکاف‌های درآمدی بین مناطق کمتر توسعه یافته جنوب شرقی با مناطق دیگر کشور ترکیه که دارای جاذبه‌های اکوتوریسم و بناهای تاریخی می‌باشند وجود دارد و پیشنهاد می‌کند که برای افزایش درآمد سرانه در این مناطق، اولویت بر توسعه گردشگری داخلی باشد. حداد^۸ و همکاران در سال ۲۰۱۳ با استفاده از مدل داده ستانده به این نتیجه رسیدند که توسعه گردشگری داخلی، نابرابری منطقه‌ای در کشور برزیل را کاهش داده است.

¹ Goymen

² Liargovas

³ Proenca

⁴ Soukiazis

⁵ Van and Tisdale

⁶ Massidda

⁷ Etzo

⁸ Haddad

لی و همکاران در سال ۲۰۱۶ نقش توسعه گردشگری را در کاهش نابرابری درآمدی در بین مناطق مختلف چین در دوره ۱۹۹۷-۲۰۱۰ با استفاده از مدل خودرگرسیون فضایی مکانی- زمانی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که توسعه صنعت گردشگری باعث کاهش نابرابری منطقه‌ای در این کشور شده و در این راستا تاثیر گردشگری داخلی بر کاهش نابرابری درآمدی موثرتر از گردشگری بین‌المللی می‌باشد.

آلام^۱ و پارامتی^۲ (۲۰۱۶) با استفاده از روش داده‌های تابلویی در دوره ۱۹۹۱-۲۰۱۲ برای ۴۹ کشور در حال توسعه و توسعه یافته به این نتیجه رسیدند که توسعه صنعت گردشگری باعث افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای در حال توسعه شده و فرضیه کوزنتس نیز تایید گردید.

در حوزه تحقیقات داخلی که اکثراً به مطالعات بین‌کشوری و مطالعه در سطح اقتصاد کلان ایران پرداخته‌اند دای کریم‌زاده و شاکری (۱۳۸۹) در قالب مقاله «بررسی اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی با تاکید بر گروه کشورهای D-8» که برای دوره ۱۹۹۰-۲۰۰۵ میلادی با روش داده‌های تابلویی انجام گرفته به این نتیجه رسیدند که توسعه گردشگری تاثیر مثبت بر کاهش نابرابری درآمدی در کشورهای فوق داشته است. خاکسار آستانه و رهنما (۱۳۹۴) با استفاده از الگویی خودتوضیح با وقفه‌های گسترده، تاثیر درآمدهای بین‌المللی گردشگری بر کاهش فقر و توزیع متعادل درآمد در ایران را طی دوره زمانی ۱۳۶۸-۱۳۹۱ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که افزایش درآمدهای گردشگری خارجی در ایران باعث کاهش ضریب جینی شده است. مصطفوی و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از روش داده‌های تلفیقی این نتیجه رسیدند که گردشگری تاثیر مثبت و معنی‌داری بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخبی از کشورهای در حال توسعه داشته است. قلی‌زاده (۱۳۹۵) در قالب مقاله «بررسی تاثیر گردشگری بر مثلث فقر و رشد اقتصادی» که با آمار سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۹۱ برای اقتصاد ایران و به روش گشتاورهای تعمیم یافته انجام داده است به این نتیجه رسیده که توسعه گردشگری باعث افزایش رشد اقتصادی، درآمد سرانه و کاهش نابرابری درآمدی در ایران شده است. قلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در قالب مقاله «توریزم بین‌المللی و نابرابری درآمدی مطالعه موردی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی» برای دوره ۲۰۰۹-۲۰۱۳ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه توریزم باعث و کاهش نابرابری درآمدی در این کشورها شده است. راسخی و محمدی (۱۳۹۶) در قالب مقاله «اثر گردشگری بر توزیع درآمد در کشورهای D-8» برای دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۳ با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیدند که توسعه گردشگری و باز بودن اقتصاد تاثیر مثبت و معنی‌دار بر توزیع درآمد و متغیرهای همچون شاخص فلاکت باعث افزایش نابرابری در این کشورها شده است.

¹ Alam

² Paramati

این تحقیق برای اولین بار در کشور انجام می‌گیرد اکثر داخلی تحقیقات انجام شده به صورت بین‌کشوری و یا در سطح اقتصاد کلان کشور بوده و رابطه‌ی نابرابری درآمدی را در بین استان‌های کشور با عوامل تاثیرگذار بر آن مخصوصاً توسعه‌ی گردشگری برای اولین بار صورت می‌گیرد. متغیر مورد استفاده برای سنجش نابرابری در تحقیقات گذشته شامل ضریب جینی می‌باشد که وضعیت توزیع درآمد را در داخل جوامع بررسی می‌کنند در حالی که هدف این تحقیق شناسایی عوامل موثر بر نابرابری درآمدی در بین جوامع (استان‌های کشور) می‌باشد. لذا تعیین و تحلیل روندها و علل نابرابری در استان‌های کشور با تاکید بر توسعه‌ی گردشگری، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان را برای کنترل و مدیریت روند نابرابری درآمدی و ارائه‌ی سیاست‌های خردمندانه در بین استان‌های کشور مساعدت خواهد کرد.

روش‌شناسی تحقیق

اطلاعات مورد استفاده و دوره مورد مطالعه

اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق شامل درآمد یا تولیدسرانه، سهم بخش‌های اقتصادی به تفکیک هر استان از نتایج طرح حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران، میزان صادرات صنعتی در بخش صنعت از نتایج طرح سرشماری سالانه از کارگاه‌های صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر مرکز آمار ایران استفاده شده است آمارهای فوق در صورت لزوم توسط شاخص قیمت خرده‌فروشی هر استان به قیمت سال پایه ۱۳۹۰ تورم زدایی شده‌اند شاخص خرده‌فروشی تنها شاخص قیمتی است که به تفکیک هر استان سالانه توسط مرکز آمار ایران تهیه می‌شود. محدودیت، عدم انتشار کل مصارف هزینه شده در هر استان شامل اعتبارات هزینه‌ای و عمرانی (ملی و استانی) می‌باشد که به روش ذیل برآورد گردید حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران به روش تولید یا ارزش افزوده ۷۲ فعالیت سالانه محاسبه می‌شود که بخش‌های از آن به‌طور مشخص به ارزش افزوده ایجاد شده توسط دولت در هر استان اختصاص دارد با توجه به این که در این تحقیق به دنبال به دست آوردن میزان کل هزینه‌های انجام شده دولت در هر استان هستیم میزان ستانده رشته فعالیت‌های (آب، برق، گاز، سایر ساختمانها، امور عمومی، امور دفاعی و انتظامی، آموزش ابتدایی دولتی، آموزش متوسطه عمومی و متوسطه فنی و حرفه‌ای دولتی، آموزش عالی دولتی، آموزش بزرگسالان دولتی و بهداشت درمان دولتی) را به عنوان متغیر جایگزین هزینه‌های انجام شده دولت در هر استان قلمداد می‌شود برای این که اعداد محاسبه شده با واقعیت همخوانی داشته باشد می‌بایست کل هزینه‌های انجام شده در کل استان‌های کشور معادل عملکرد بودجه عمومی کشور باشد که به روش فوق، محاسبات انجام شده کنترل شد. دوره مورد بررسی نیز شامل دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۳ با احتساب ارزش افزوده بدون نفت می‌باشد.

معیارهای نابرابری در آمدهای منطقه‌ای

در اکثر تحقیقات مشابه از ضریب تغییرات به عنوان معیار نابرابری درآمدهای در بین مناطق استفاده شده است (لیونز^۱ ۱۹۹۱، آکائی^۲ و ساکاتا^۳ ۲۰۰۵، لسمان^۴ ۲۰۰۹، حسینو^۵ ۲۰۱۱، سانگ^۶ ۲۰۱۳). در این تحقیق نیز به تبعیت از تحقیقات فوق از شاخص ضریب تغییرات به عنوان شاخص نابرابری در درآمد سرانه بین مناطق استفاده است. ضریب تغییرات (پراکندگی) شاخصی است که برای اندازه‌گیری توزیع پراکندگی داده‌های آماری به کار می‌رود. از ضریب تغییرات برای مقایسه پراکندگی دو یا چند صفت (متغیر) استفاده می‌کنند. ضریب تغییرات میزان پراکندگی را به ازای یک واحد از میانگین بیان می‌کند. این شاخص برای سطح سنجش نسبی و مقایسه‌ای کاربرد مناسبی داشته و با اندکی تغییر قابل استفاده برای داده‌های تابلویی می‌باشد. لذا در این تحقیق نیز با استفاده از تجارب تحقیقات گذشته، از ضریب تغییرات با اندکی تغییر که قابل محاسبه در بین استانها باشد به عنوان معیار نابرابری استفاده شده است. ضریب تغییرات با علامت CV_t نشان داده می‌شود.

$$CV_t = \frac{1}{Y_t^*} \left[\frac{1}{N} \sum_{i=1}^N (Y_i^* - Y_t^*)^2 \right]^{\frac{1}{2}} \quad (1)$$

$Y_t^* =$ ارزش میانگین است که در این تحقیق از درآمد سرانه کشور به عنوان میانگین درآمد سرانه استان‌های کشور در سال t استفاده شده و Y_i^t درآمد سرانه استان i در سال t و N نیز تعداد استان‌های کشور می‌باشند. برای استفاده از این شاخص در مدل رگرسیون داده‌های تابلویی باید تغییرات کوچکی در آن لحاظ شود تا قابل استفاده برای مقطع (۳۱ استان) و زمان (دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۳) لذا بر این اساس شرایط فرمول ضریب تغییرات را به صورت ذیل بازنویسی می‌شود: (بانعت^۷، ۲۰۰۶)، (چیانو و همکاران^۸، ۲۰۰۲):

$$CV_i^t = \frac{1}{Y_t^*} [(Y_i^* - Y_t^*)^2]^{\frac{1}{2}} \quad (2)$$

$$CV_i^t = \left| \frac{Y_i^t - Y_t^*}{Y_t^*} \right| \quad (3)$$

$$i=1, 2, \dots, 31 \quad t=1379, 1380, \dots, 1393$$

¹ Lyons

² Akai

³ Sakata

⁴ Lessmann,

⁵ Hoshino

⁶ Songe

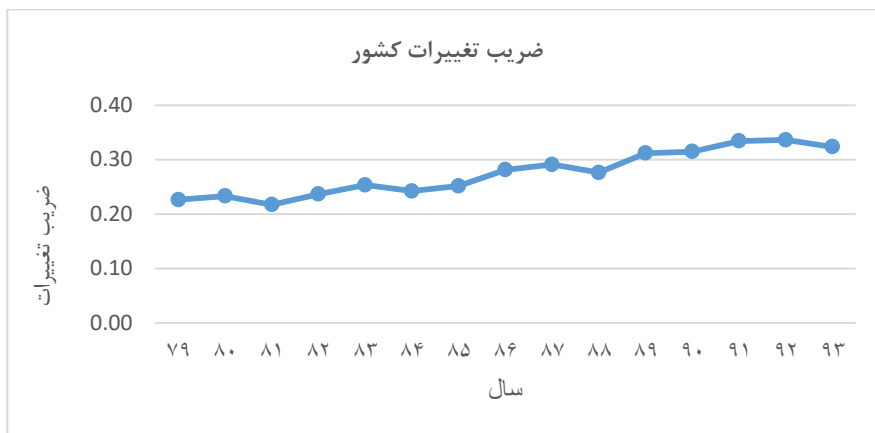
⁷ Bonet

⁸ Qiao

معیار نابرابری فوق بر اساس مفهوم درآمد سرانه نسبی می‌باشد در حالت مطلوب درآمد سرانه استان‌های مختلف با متوسط ملی برابر می‌شود در این حالت میزان نابرابری صفر خواهد شد.

وضعیت نابرابری درآمدی در ایران بر حسب ضریب تغییرات

با تجمیع میزان نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور بر اساس معیار تعیین شده که قابل تخمین برای رگرسیون داده‌های تابلویی است ضریب تغییرات درآمدی در سطح کلان به دست می‌آید. در نمودار (۱) روند تغییرات زمانی نابرابری در درآمد سرانه در بین ۳۱ استان کشور در دوره زمانی ۱۳۷۹-۱۳۹۳ (با تولید ناخالص داخلی بدون احتساب ارزش افزوده نفت) مورد بررسی قرار گرفته است. ارائه تصویری مشروح از وضعیت نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور امکان پذیر نیست لذا برای فهم روند نابرابری درآمدی، ضریب تغییرات درآمد سرانه در نمودار فوق ارائه شده است ضریب تغییرات در سال ۱۳۷۹ معادل ۰/۲۳ بوده که با کمی کاهش در سال ۱۳۸۲ روند فزاینده و نوسانی را در طی دوره مورد بررسی طی کرده و به بیشترین میزان خود در طول یعنی عدد ۰/۳۴ در سال ۱۳۹۲ رسیده است یعنی در طول ۱۴ سال میزان نابرابری درآمدی به طور متوسط ۴۸ درصد در بین استان‌های کشور افزایش پیدا کرده است. البته در سال آخر دوره با تغییر مدیریت اجرای کشور، نابرابری درآمدی با حدود ۶ درصد کاهش به عدد ۰/۳۲ رسیده است.



نمودار (۱) سیر تکاملی متوسط نابرابری درآمدی بین استان‌های کشور محاسبه شده بر اساس درآمد سرانه بدون نفت

نابرابری درآمد سرانه بین استان‌های کشور در مقاطع مختلف بر حسب نسبت

نابرابری در درآمد سرانه بین استان‌های کشور به طور فزاینده‌ای در حال افزایش است به طوری که بر اساس آخرین آمار و اطلاعات حساب تولید، شکاف درآمد سرانه (بدون نفت) در بین

استان‌های کشور در دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۳ در حال افزایش است بدین معنی که درآمد سرانه در استان اول کشور در سال ۱۳۹۳ حدود ۶/۲ برابر درآمد سرانه استان آخر می‌باشد حالی که این نسبت در سال ۱۳۷۹ معادل ۳/۷۸ برابر بوده است و یا مقایسه درآمد سرانه دو استان اول با دو استان آخر و یا پنج استان اول و پنج استان آخر نیز چنین وضعیتی را نشان می‌دهد.

جدول (۲): نابرابری در درآمد سرانه بین استان‌های کشور- بدون نفت

سال	نسبت استان نخست به استان آخر	نسبت دو استان نخست به دو استان آخر	نسبت پنج استان نخست به پنج استان آخر
۱۳۷۹	۳/۷۸	۳	۲/۴
۱۳۸۵	۵/۳۸	۳/۵	۲/۵
۱۳۹۳	۶/۲	۴/۳	۲/۹۹

ماخذ: محاسبات تحقیق حاضر

وضعیت توسعه صنعت گردشگری استان‌های کشور

با توجه به نبود آمار گردشگران داخلی و خارجی و تعداد اتاق‌های هریک از هتل‌های مستقر در استان‌ها و درصد ظرفیت به کار رفته می‌توان از متغیر جایگزین برای ارزیابی توسعه فعالیت‌های گردشگری در استان‌های کشور از مزیت نسبی بر مبنای ارزش افزوده هتل و رستوران حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران استفاده نمود. برای استخراج فعالیت‌های دارای مزیت نسبی از مدل اقتصاد پایه استفاده شد.

جدول (۳): مزیت نسبی استان‌های کشور در ارزش افزوده هتل و رستوران در مقاطع ۱۳۷۹ و ۱۳۹۳-درصد

استان‌ها	۱۳۷۹	۱۳۹۳	استان‌ها	۱۳۷۹	۱۳۹۳
آذربایجان شرقی	۰/۹۶	۰/۸۸	فارس	۱/۰۴	۰/۷۷
آذربایجان غربی	۱/۴	۱/۱۷	قزوین	۰/۹۲	۰/۸۵
اردبیل	۲/۴	۱/۹	قم	۱/۷۵	۱/۱۹
اصفهان	۱/۲۷	۰/۸۵	کردستان	۱/۱	۱/۱۲
البرز		۱/۶۵	کرمان	۰/۸۲	۰/۱۶
ایلام	۰/۵۳	۰/۵۵	کرمانشاه	۰/۹۵	۰/۵۵
بوشهر	۰/۷۸	۰/۲	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۰۵	۰/۸۸
تهران	۱/۳۴	۱/۱۱	گلستان	۱/۲	۱/۱۵
چهارمحال و بختیاری	۰/۵۶	۰/۳۹	گیلان	۲	۲/۰۶
خراسان جنوبی		۰/۲۸	لرستان	۰/۶۱	۰/۵۲
خراسان رضوی	۱/۸۶	۲/۰۷	مازندران	۱/۶	۱/۲۵
خراسان شمالی		۰/۳۲	مرکزی	۰/۵۸	۰/۶۱
خوزستان	۰/۲۴	۰/۵۷	هرمزگان	۱/۱۸	۰/۸۷
زنجان	۱/۰۲	۰/۷۳	همدان	۰/۷۶	۰/۷۲
سمنان	۰/۶۳	۰/۴۸	یزد	۰/۷۸	۰/۵۶
سیستان و بلوچستان	۰/۷۳	۰/۵۵			

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

بر اساس تئوری اقتصاد پایه باید بین آن دسته از فعالیت‌هایی که منطقه در آن تخصص دارد از یک طرف و سایر فعالیت‌ها از سوی دیگر تفاوت قائل گردید در نهایت بخش خاص مناطق است که موجب رشد منطقه می‌گردد. البته، افزایش فعالیت‌های اقتصادی در بخش پایه موجب رشد اشتغال و ارزش افزوده و ارزش تولید و در نتیجه باعث اشتغال و تولید در بخش‌های غیر پایه^۱ نیز خواهد شد. (صباغ کرمانی، ۱۳۷۹: ۶۷-۷۰) (سبحانی و درویشی، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۷۱)

تکنیک اجرای این روش توسط ضریب مکانی^۲ (LQ) میسر می‌باشد. در این تکنیک می‌توان متغیر ارزش افزوده را جایگزینی برای فعالیت‌های مختلف منطقه لحاظ کرد و با توجه به هر درجه‌ای از کوچک شدن فعالیت‌ها با مرجع بزرگتر، مقایسه کرد. رابطه ضریب مکانی را برای ارزش افزوده هتل و رستوران به طور مشخص می‌توان به صورت ذیل نشان داد.

$$LQ_{ijt} = \frac{\frac{va_{ijt}}{\sum va_{ijt}}}{\frac{va_{jt}}{\sum va_{jt}}} \quad (4)$$

va_{ijt} = ارزش افزوده و تولید در فعالیت هتل و رستوران استان i در سال t ، va_{jt} = ارزش افزوده فعالیت هتل و رستوران کشور در سال t ، $\sum va_{ijt}$: مجموع ارزش افزوده کل فعالیت‌های اقتصادی استان i در سال t و $\sum va_{jt}$: کل ارزش افزوده کل فعالیت‌های اقتصادی کشور در سال t در صورتی که این نسبت بزرگتر از یک باشد فعالیت پایه‌ای محسوب می‌گردد. اگر LQ کوچکتر از یک باشد فعالیت مزبور غیر پایه‌ای و در صورتی که مساوی یک باشد خودکفا تفسیر می‌گردد. افزایش LQ به عنوان نتیجه گسترش فعالیت‌های گردشگری تبیین می‌شود.

بر مبنای مدل اقتصاد پایه در سال ۱۳۷۹ استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، تهران، خراسان، زنجان، فارس، قم، کردستان، گلستان، گیلان، مازندران و هرمزگان دارای مزیت نسبی در ارزش افزوده فعالیت هتل و رستوران کشور بوده‌اند. در بین استان‌های مورد استان‌های تهران، اصفهان و مازندران دارای درآمد سرانه بالاتر از سطح متوسط کشوری و درآمد سرانه بقیه استانها کمتر از سطح متوسط کشوری بوده‌اند. با تغییرات صورت گرفته در ساختار اقتصادی و سیاسی استان‌های کشور در سال ۱۳۹۳ استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، البرز، تهران، خراسان رضوی، قم، کردستان، گلستان، گیلان، مازندران دارای مزیت نسبی بر مبنای ارزش افزوده فعالیت هتل و رستوران کشور بوده‌اند. در بین استان‌های فوق فقط استان‌های تهران و مازندران دارای درآمد سرانه بالاتر از متوسط بوده‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که توسعه فعالیت‌های گردشگری بیشتر در مورد استان‌های دارای درآمد سرانه کمتر از متوسط کشوری اتفاق افتاده است. سهم ارزش افزوده

^۱ Non basic economy

^۲ Location Quoefficient

هتلداری و رستوران از کل تولید در سال ۱۳۷۹ معادل ۰/۹۶ درصد از تولید کشور بوده که با روند افزایشی به ۱/۰۴ درصد در سال ۱۳۹۳ رسیده است.

معرفی مدل

(کراکوف^۱ ۲۰۰۴: ۱۰۱) معتقد است که ارتباط بین توسعه صنعت گردشگری و نابرابری درآمدی در بین مناطق یک کشور به عوامل مختلفی بستگی دارد لذا به تبعیت از مدل معرفی شده آلام و پارامتی ۲۰۱۶ که ارتباط بین نابرابری درآمدی و گردشگری را با استفاده از یک مدل داده‌های تابلویی مورد بررسی قرار دادند برای تصریح مدل استفاده می‌کنیم لذا مدل معرفی شده به شرح ذیل می‌باشد:

$$CV_1^t = \beta_1 + \beta_1 RCAHOTEL_1^t + \beta_2 PERG_1^t + \beta_3 RCAAGRI_1^t + \beta_4 RCAOPEN_1^t + U_1^t \quad (5)$$

CV_1^t = ضریب تغییرات به عنوان معیار نابرابری درآمدی استان i در سال t
 $RCAHOTEL_1^t$ = شامل شاخص مزیت نسبی آشکار شده توسعه فعالیت‌های گردشگری بر مبنای مدل اقتصاد پایه بر اساس ارزش افزوده رستوران و هتل استان i در سال t به تبعیت از مدل جعفری صمیمی و خیره (۱۳۹۴).

متغیرهای کنترلی

علاوه بر متغیر توسعه صنعت گردشگری، متغیرهای دیگری نیز ممکن است بر میزان نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور موثر باشند متغیرهای که در تحقیقات مشابه از آنها استفاده شده و در تحقیق حاضر معنی دار بودند به شرح ذیل می‌باشند:

$PERG_1^t$ = سرانه هزینه‌های دولت استان i در سال t بر مبنای مدل اقتصاد پایه

$RCAOPEN_1^t$ = مزیت‌های نسبی آشکار شده صادرات کالاهای صنعتی به عنوان متغیری برای درجه باز بودن اقتصاد در تحقیقات استفاده می‌شود که بر اساس مدل اقتصاد پایه در قسمت‌های قبلی توضیح داده شد، محاسبه شده است. تجارت بین‌الملل معمولاً دارای منافع برای شهرها و مناطقی همچون بنادر و مناطق ساحلی که دارای مزیت نسبی و رقابتی در این حوزه بوده می‌باشد. بر این اساس موقعی که درجه باز بودن تجاری اقتصاد افزایش پیدا می‌کند عوامل تولید به سمت مناطق پیشرفته و توسعه یافته حرکت می‌کنند. چون در این نوع از نواحی بازدهی عوامل تولید بالا می‌باشد. حرکت عوامل تولید به شکل فوق منجر به تشکیل مناطق مرکز- پیرامون می‌شود و

¹ Krakover

نابرابری درآمدی افزایش پیدا می‌کند (وای ۲۰۱۵: ۴) معتقد است که با شکل‌گیری تجارت خارجی در برخی از استان‌های کشور نابرابری درآمدی بین استان‌ها افزایش پیدا کند.
 $RCAAGRI_i^t$: مزیت‌های نسبی آشکار شده تولید کالاهای کشاورزی و دامپروری به عنوان متغیری برای بیان قابلیت‌های طبیعی و جغرافیای استانها استفاده شده است که بر اساس مدل اقتصاد پایه در قسمت‌های قبلی توضیح داد شد، محاسبه شده است.

تخمین مدل پیشنهادی و آزمون‌های مورد نیاز

آزمون‌های ریشه واحد

قبل از تخمین مدل از باید ازمانا بودن متغیرهای مورد استفاده به منظور جلوگیری از بروز رگرسیون کاذب درمدل اطمینان حاصل کرد.

جدول(۴): آزمون پایایی متغیرهای مدل برای سطح

→آزمون‌های متغیر↓	با عرض از مبدا		با عرض از مبدا و روند		بدون عرض از مبدا و روند
	LLC	IPS	LLC	IPS	LLC
(CV_i^t)	-۱/۴۸۷۲ (۰/۰۶۸۵)	-۱/۳۴۱۳ (۰/۰۸۹۹)	-۵/۸۶۵۲ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۱۸۱۲ (۰/۰۰۰۷)	۰/۵۲۲۷ (۰/۲۸۰۰)
$RCAHOTEL_i^t$	-۳/۳۶۹۳ (۰/۰۰۰۴)	-۰/۱۶۷۵ (۰/۱۶۷۵)	-۵/۲۲۳۳ (۰/۰۰۰۰)	-۰/۹۲۹۰ (۰/۱۷۶۴)	-۰/۴۷۵۸ (۰/۳۱۷۱)
$RCAAGRI_i^t$	-۴/۹۷۱۴۰ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۲۱۵۹ (۰/۰۰۰۰)	-۶/۹۵۸۷ (۰/۰۰۰۰)	-۲/۸۴۶۳ (۰/۰۰۲۲)	-۲/۰۰۵۸ (۰/۱۸۹۵)
$RCAOPEN_i^t$	-۶/۶۵۳۵ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۳۳۷۰ (۰/۰۰۰۰)	-۸/۱۶۲۵ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۹۱۹۴ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۸۹۲۵ (۰/۰۰۰۰)
$PERG_i^t$	۲/۱۳۴۸ (۰/۹۸۳۶)	۱/۳۹۰۹ (۰/۹۱۷۹)	-۵۳۵۸ (۰/۰۰۰۰)	-۶۴۶/ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۳۸۳۷ (۰/۰۰۰۰)

ماخذ: محاسبات تحقیق حاضر

لذا در این مقاله، سه نوع آزمون ریشه واحد مختلف برای بررسی مانایی متغیرها مورد استفاده قرار گرفت، این آزمون‌ها عبارتند از: آزمون ریشه واحد لوین و دیگران (LLC)، آزمون ایم و پسران (IPS). فرض اساسی آزمون LLC وجود یک ریشه واحد در بین مقاطع است، در حالی که آزمون IPS این امکان را فراهم می‌آورد که ناهمگونی در بین اثرات فردی وجود داشته باشد به همین دلیل به آزمون IPS آزمون ریشه واحد ناهمگن می‌گویند. نتایج حاصل از تخمین‌های ریشه واحد برای متغیرهای معرفی شده به شرح جدول شماره (۴) می‌باشد. فرض صفر مورد آزمون قرار گرفته درآزمون ریشه واحد عبارت است از وجود ریشه واحد در سری‌های زمانی. اعداد داخل پرانتز میزان

احتمال معنی دار بودن فرضیه مانا بودن متغیرهای مورد استفاده را نشان می‌دهد در مواردی که میزان احتمال کمتر از ۵ درصد می‌باشد متغیر مانا می‌باشد. بر طبق نتایج حاصل از جداول فوق شواهد ناشی از انجام آزمون‌های مختلف عمدتاً دلالت بر وجود عدم ریشه واحد در سطح اطمینان ۹۵ درصد برای مقادیر متغیرها در واحد سطح دارند برای اطمینان بیشتر از عدم وجود رگرسیون کاذب در ادامه از آزمون‌های هم‌انباشستگی پانل استفاده شد.

آزمون‌های هم‌انباشستگی پانل^۱

اگر نتایج آزمون ریشه واحد دلالت بر این امر داشته باشد که متغیرها هم‌انباشته از درجه ۱ می‌باشند در گام بعدی به آزمون وجود روابط تعادلی بلند مدت در بین متغیرها پرداخته می‌شود. با توجه به وجود ناهمگنی در پویایی‌ها و واریانس جملات خطا از آزمون هم‌انباشستگی پانل معرفی شده توسط پدرونی استفاده می‌شود. پدرونی هفت آماره مختلف را در دو گروه متمایز جهت بررسی و آزمون فرض صفر مبتنی بر عدم وجود بردار هم‌انباشستگی در مدل‌های پانل نا همگن معرفی کرد. گروه اول آزمون‌ها مشهور به درون بعدی است عوامل زمانی رایج را در نظر می‌گیرد این گروه از آزمون‌ها امکان ناهمگنی در بین استانها را فراهم می‌سازد. گروه دیگر بین بعدی نام دارد که امکان ناهمگنی بین استانها را فراهم می‌سازد. پدرونی هفت آماره را معرفی می‌کند که برای اختصار جواب قطعی چهار آماره در این قسمت معرفی می‌شود. برای آماره‌های درون بعدی، آزمون فرض صفر مبتنی بر عدم وجود هم‌انباشستگی آزمونی بر اساس پسماندهاست و از سوی دیگر فرض صفر آماره‌های درون بعدی در مورد عدم وجود هم‌انباشستگی می‌باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های هم‌انباشستگی، اکثر آماره‌های آزمون (در هر مورد حداقل چهار آماره) فرض صفر مبتنی بر وجود بردار هم‌انباشستگی را برای استان‌های کشور تایید می‌کنند. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که رابطه بلند مدت بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته یا نابرابری در آمدی بین استانها وجود دارد. در ادامه باید بررسی شود که مدل مورد بررسی در کدام طبقه (Panel or pooled) قرار می‌گیرد برای منظور دو رویکرد وجود دارد:

^۱ panel cointegration tests

جدول شماره (۵): نتایج حاصل از آزمون هم‌انباشتنی با استفاده از چهار آماره مختلف

آماره آزمون	با عرض از مبدا	با عرض از مبدا و روند	بدون عرض از مبدا و روند
در بین ابعاد			
آماره پانل t از نوع فیلیپس- پرون	-۱/۹۵۴۱ (۰/۰۲۵۳)	-۱۰/۴۴۷۷ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۱۷۴۸ (۰/۰۰۰۷)
آماره پانل از نوع دیکی- فولر تعمیم یافته	-۱/۲۴۸۶ (۰/۱۰۵۹)	-۷/۳۶۲۲ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۱۵۷۰ (۰/۰۰۰۰)
در میان ابعاد			
آماره t فیلیپس- پرون گروهی	-۹/۴۰۸۵ (۰/۰۰۰۰)	-۱۳/۸۹۵۱ (۰/۰۰۰۰)	-۴/۶۴۴۴ (۰/۰۰۰۰)
آماره ADF t گروهی	-۵/۵۸۲۸ (۰/۰۰۰۰)	-۷/۹۶۱۵ (۰/۰۰۰۰)	-۳/۷۹۷۶ (۰/۰۰۰۱)

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

الف- مقایسه الگوی Pooled با الگوی ثابت- آزمون اثرات ثابت لیمیر

برای مشخص کردن نوع رگرسیون تابلویی بر مبنای رگرسیون مقید و غیر مقید از آزمون اثرات ثابت با استفاده از آزمون لیمیر انجام شد اثرات هم برای مقطع و هم برای زمان برای آزمون فرضیه "اثرات ثابت مقطعی و زمانی صفر است" یعنی فرضیه صفر بیانگر عدم وجود اثرات مقطعی و زمانی است که در صورت تایید بیانگر رگرسیون مقید می‌باشد. بر اساس نتایج آزمون اثرات که بر اساس آماره‌های F و χ^2 ارائه شده‌اند که برای آزمون اثرات مقطعی مقدار آماره‌های F و χ^2 به ترتیب ۲۵/۲۲ و ۴۷۴ می‌باشد که در ناحیه بحرانی قرار دارند (مقادیر احتمال کمتر از ۰/۰۵ درصد است) لذا فرضیه صفر را رد می‌کند و بدان معناست که اثرات مقطعی وجود دارد. لذا نتیجه گرفته می‌شود که استانها از لحاظ نابرابری درآمدی تفاوت معنی‌داری با همدیگر دارند. همچنین مقادیر F و χ^2 برای آزمون اثرات زمانی به ترتیب ۲/۴۳ و ۳۶/۸۲ می‌باشد یعنی فرضیه صفر رد می‌شود و لذا اثرات ثابت زمانی معنادار است. این نتیجه نشان می‌دهد که نابرابری درآمدی بین استان‌های کشور در طول زمان دچار تغییر شده است. بالاخره مقادیر F و χ^2 برای آزمون اثرات ثابت مقطعی و زمانی به ترتیب ۱۸/۲۳ و ۴۹۱/۲۶ است که فرضیه صفر را رد می‌کند لذا اثرات ثابت هم در بین مقاطع (استانها) و هم در طول زمان وجود دارد. لذا مدل مورد استفاده شامل مدل اثرات ثابت در بین مقاطع و در طول زمان می‌باشد.

ب- مقایسه الگوی Pooled با الگوی تصادفی- آزمون لاگرانژ (بروش - پاگان)

فرض صفر این آزمون شامل عدم وجود اثرات تصادفی در مدل می‌باشد که در صورت تایید باید مدل به صورت رگرسیون تجمیعی یا Pooled برآورد شود. لازم به ذکر است که این آزمون در ساختار پانل متوازن قابل اجراء می‌باشد و به علت جدایی استان‌های خراسان جنوبی و شمالی از استان خراسان و جدایی استان البرز از تهران تعداد نمونه‌ها در سری زمانی این استانها ناقص

می‌باشد لذا برای متوازن کردن مدل و امکان انجام صرف این آزمون و آزمون هاسمن نمونه‌های مشترک برای اطلاعات ناقص در نظر گرفته شد. نتایج آزمون لاگرانژ برای مقاطع عدد ۱۰۵۳ با سطح احتمال صفر می‌باشد که از تایید مدل اثرات تصادفی در مقابل مدل تجمیعی یا Pooled می‌باشد.

آزمون هاسمن

فرض صفر این آزمون شامل عدم همبستگی بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی و یا تایید مدل اثرات تصادفی می‌باشد. و فرضیه مخالف نیز نشان دهنده همبستگی میان اثرات فردی و متغیرهای توضیحی بوده و در صورت پذیرش باید از روش اثرات ثابت استفاده شود. لذا با استفاده از آزمون هاسمن، ارتباط بین مقاطع را با متغیرهای توضیحی انجام گرفت نتایج نشان داد که عرض از مبدا استان‌ها با متغیرهای توضیحی دارای ارتباط می‌باشد و به عبارت دیگر مدل مناسب برای این تحقیق مدل اثرات ثابت می‌باشد. عدد محاسبه شده برای آماره چی دو معادل $16/1474$ و با سطح احتمال $0/0028$ می‌باشد که حاکی از رد فرضیه صفر بوده و بنابراین مدل مناسب برای این تحقیق مدل اثرات ثابت می‌باشد.

نتایج تخمین مدل اقتصادسنجی

نتایج تخمین مدل پیشنهادی به صورت اثرات ثابت مقطعی و زمانی با نرم افزار Eviews9 در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج برآورد مدل رگرسیونی بر اساس روش اثرات ثابت

متغیر	ضریب	آماره t	سطح احتمال
C (عرض از مبدا مشترک)	۰/۷۱۲۷	۷/۸۷۳۳	(۰/۰۰۰۰)
$RCAOPEN_t^t$	۰/۰۴۲۳	۴/۶۶۶۲	(۰/۰۰۰۰)
$RCAHOTEL_t^t$	-۰/۲۰۷۴	-۳/۷۷۲۱	(۰/۰۰۰۲)
$RCAAGRI_t^t$	-۰/۱۳۸۳	-۳/۵۵۳۴	(۰/۰۰۰۴)
$PERG_t^t$	-۰/۰۳۲۵	-۳/۱۶۴۶	(۰/۰۰۱۷)
R^2	۰/۶۹	R^2 تعدیل شده	۰/۶۵
F	۱۸/۶		(۰/۰۰۰۰)

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

بر اساس نتایج به دست آمده ارتباط بین متغیر جانشین توسعه گردشگری یا مزیت نسبی هتل و رستوران استان‌های کشور و معیار نابرابری درآمدی در بین آنها معنی دار و منفی می باشد و با توجه به این که متغیر وابسته و مستقل هر دو به صورت نسبت می باشند لذا با افزایش ۱۰ درصدی در مزیت نسبی استان‌های کشور در زمینه هتل و یا رستوران و یا توسعه فعالیت‌های گردشگری، نابرابری درآمدی حدود دو درصد کاهش می‌یابد البته با عنایت به این که مدل مورد استفاده رگرسیون داده‌های تابلویی با اثرات ثابت می‌باشد عرض از مبدا برای استان‌های مختلف متفاوت می‌باشد و به طور قطع و یقین اثرات تغییر در توسعه فعالیت‌های گردشگری و سایر متغیرهای کنترلی بر نابرابری درآمدی استان‌های مختلف متفاوت خواهد بود. این نتیجه نتایج تمام تحقیقات داخلی را که توسعه فعالیت‌های گردشگری باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود را تایید می‌کند.

نتایج تخمین مدل برای متغیرهای کنترلی:

ضریب مربوط به مزیت نسبی صادرات کالاهای صنعتی معنی‌دار و مثبت می‌باشد و با توجه به این متغیر وابسته و مستقل هر دو به صورت نسبت می‌باشند لذا با افزایش ۱۰ درصد در تولید و افزایش قدرت صادرات کالاهای صنعتی در برخی از استان‌های کشور نابرابری درآمدی ۰/۴ درصد افزایش پیدا کرده و حاکی از تاثیر مثبت گسترش فعالیت‌های تجاری در برخی از استان‌های کشور بر افزایش نابرابری درآمدی می‌باشد استان‌های خاصی که در معرض تجارت خارجی قرار می‌گیرند و مزیت نسبی آنها در حال افزایش است دارای امتیاز ویژه‌ای می‌باشند. امتیاز ویژه شامل؛ دسترسی به دریاها، شبکه‌های قوی حمل و نقل در کنار مزیت نسبی در تولید کالا، منجر به افزایش درآمد این مناطق در مقایسه با مناطق فاقد مزیت نسبی و مناطق دوردست شده و نابرابری‌های درآمدی بین استانی را افزایش می‌دهد. در مقابل افزایش مزیت نسبی تولید محصولات کشاورزی و افزایش توان تولید این بخش با ساختار تولیدی موجود کشور، باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور شده است. به طوری که با افزایش متوسط ۱۰ درصد در تولید محصولات کشاورزی نابرابری درآمدی ۱,۳ درصد کاهش پیدا کرده است. در نهایت متغیر هزینه سرانه بودجه دولتی نیز معنی دار و منفی می‌باشد افزایش سرانه بودجه دولت باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور شده است مخارج دولت می‌تواند با افزایش بهداشت یا سطح آموزش و پرورش از طریق بهره‌وری نیروی کار بر وضعیت توزیع درآمد توزیع درآمد آثار مساعدی داشته باشند. پرداخت‌های انتقالی دولت بدون توجه به توانایی‌های افراد به طور مستقیم تعدیلاتی در توزیع درآمد به وجود می‌آورند. قدرت توضیح‌دهندگی مدل نیز ۶۹ درصد و سطح احتمال صفر مربوط به آماره F حاکی از معنی دار بودن کل رگرسیون می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در طی دهه‌های گذشته صنعت گردشگری یکی از منابع رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بوده است این صنعت با داشتن سریع‌ترین رشد در بین بخش‌های اقتصادی در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگترین صنایع در جهان می‌باشد. این صنعت باعث ایجاد رشد اقتصادی مثبت از طریق کسب درآمدهای خارجی، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، کسب درآمدهای مالیاتی و ایجاد فرصت‌های جدید برای اشتغال نیروی کار برای ساکنان جوامع و دولتها شده است در کنار نتایج فوق، توسعه صنعت گردشگری ممکن است موجب کاهش نابرابری در درآمد سرانه در بین مناطق مختلف کشور شود موضوع و هدف این پژوهش، تلاش در جهت اثبات نحوه و میزان تاثیر توسعه صنعت گردشگری در کنار سایر عوامل موثر بر نابرابری درآمد سرانه استان‌های کشور است.

فرضیه اساسی این پژوهش عبارتند از توسعه صنعت گردشگری باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور می‌شود.

برای انجام این تحقیق از شاخص ضریب تغییرات درآمد سرانه به عنوان شاخص نابرابری، از شاخص مزیت نسبی ارزش افزوده هتل داری و رستوران به عنوان شاخص توسعه صنعت گردشگری هر استان و در کنار متغیرهای فوق، سایر متغیرها به عنوان متغیرهای کنترلی موثر بر نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور استفاده شده است از سرانه هزینه‌های دولت به عنوان شاخصی برای عملیات تاثیر گذار دولتی بر درآمد سرانه استان‌های کشور، مزیت نسبی ارزش افزوده کالاهای کشاورزی و از مزیت نسبی صادرات کالاهای صنعتی به عنوان درجه باز بودن استان‌های کشور استفاده شده است. روش مورد استفاده برای تخمین مدل تحقیق رگرسیون داده‌های تابلویی اثرات ثابت مقطعی و زمانی می‌باشد. نتایج آزمون مدل نشان داد که توسعه صنعت گردشگری در دوره ۱۳۷۹-۱۳۹۳ باعث کاهش نابرابری درآمدی در استان‌های کشور شده است. این نتیجه، نتایج تمام تحقیقات داخلی را که توسعه فعالیت‌های گردشگری باعث کاهش نابرابری درآمدی می‌شود، را تایید می‌کند.

همچنین در مدل تخمین زده شده ضرایب مربوط به مزیت نسبی تولید محصولات کشاورزی و سرانه بودجه دولتی نیز معنی‌دار و منفی می‌باشند یعنی افزایش توانایی در تولید محصولات کشاورزی و افزایش سرانه بودجه عمومی در استان‌های کشور نابرابری درآمدی را کاهش می‌دهد در مقابل ضریب مربوط به متغیر تجارت خارجی معنی‌دار و مثبت است که به معنای تاثیر مثبت گسترش فعالیت‌های تجاری بر افزایش نابرابری درآمدی می‌باشد به بیان دیگر استان‌های که در معرض تجارت خارجی قرار می‌گیرند رشد درآمد سرانه در آن استان‌ها نسبت به استان‌های دیگر بالا می‌باشد. به بیان دیگر می‌توان گفت که تولید و گسترش صادرات کالاهای صنعتی باعث افزایش نابرابری و گسترش تولید در بخش کشاورزی باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور

شده است. یعنی یکی از عوامل اصلی نابرابری درآمدی در کشور نحوه شکل‌گیری فعالیت‌های صنعتی و یا قطبی شدن توسعه صنعت در استان‌های کشور می‌باشد بر این اساس توصیه می‌شود در بارگذاری سرمایه‌گذاری جدید به توازن و تعادل درآمدی بین استانها توجه ویژه‌ای صورت گیرد. در این راستا تکمیل مطالعات آمایش سرزمین و تعهد به اجرای آن توسط دولت‌ها امری واجب و ضروری می‌باشد. هرچند توسعه فعالیت‌های بخش کشاورزی باعث کاهش نابرابری درآمدی در بین استان‌های کشور شده است ولی افزایش تولید در این بخش نباید منجر به فشار به منابع تولید از جمله آب در کشور شود چرا که محدودیت منابع آب، پایداری توسعه تولید در این بخش را با بحران جدی مواجه خواهد کرد.

با توجه به این که توسعه صنعت گردشگری یکی از منابع رشد در استان‌های کشور بوده و مهم‌تر از آن نابرابری درآمدی در بین استان‌ها را کاهش می‌دهد بر دولت واجب است زیرساخت‌های گردشگری داخلی و خارجی را مخصوصاً در استان‌های با قابلیت‌های طبیعی و با درآمد سرانه پایین‌تر از متوسط درآمد سرانه فراهم نماید و در کنار ایجاد زیرساخت‌ها با اعمال سیاست‌های تشویقی مثل معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای و با کمک‌های فنی و اعتباری مخصوصاً پرداخت تسهیلات با سود پایین، باعث توسعه صنعت گردشگری در استان‌های کمتر توسعه یافته کشور شود.

منابع

۱. افلاطونی، عباس (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، انتشارات ترمه، تهران.
۲. جعفری، صمیمی احمد و خیره شیما (۱۳۹۴). اثر گردشگری مذهبی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران، فصلنامه جغرافیای فضای گردشگری، دوره ۴، شماره ۱۵: ۱۰۳-۸۵.
۳. خاکسار آستانه، حمیده و علی، رهنما (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین گردشگری، توزیع عادلانه درآمدها در اقتصاد ایران، کنفرانس ملی ایده‌های نوین در کشاورزی و محیط زیست، موسسه حامیان زیست اندیش محیط آرمانی، اردبیل.
۴. دایی کریم‌زاده، سعید و شاکرمی، محبوبه السادات (۱۳۸۹). بررسی اثر گردشگری بر نابرابری درآمدی: مطالعه موردی کشورهای گروه D-8 طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۰۵، همایش منطقه‌ای صنعت توریسم.
۵. راسخی، سعید، محمدی، ثریا (۱۳۹۶). اثر گردشگری بر توزیع درآمد برای کشورهای دی هشت، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۴، شماره ۹۰: ۳۳۶-۳۱۰.
۶. رضاقلی‌زاده مهدیه (۱۳۹۵). تاثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره یازدهم، شماره ۳۶: ۱۶۰-۱۲۵.
۷. رضاقلی‌زاده مهدیه، آقایی، مجید و عیسی‌زاده، روشن (۱۳۹۵). توریسم بین المللی و نابرابری درآمدی: مطالعه موردی کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۴، شماره ۴۹: ۳۱۵-۲۹۶.
۸. سبحانی، حسن و درویشی، باقر (۱۳۸۴). بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختار اشتغال در استان ایلام، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۱۳۷: ۱۸۷-۱۵۹.
۹. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۷۹). تمرکز اشتغال در فعالیتهای صنعتی استانهای کشور و کاربرد مدل اقتصاد پایه، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۷: ۸۶-۶۳.
۱۰. مرکز آمار ایران، طرح حساب تولید استان‌های کشور، سال‌های مختلف.
۱۱. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سال‌های مختلف.
۱۲. مصطفوی، سیدمهدی، هوشمند محمود و محقق، اکرم (۱۳۹۲). بررسی اثرات نابرابری بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه، اولین همایش گردشگری و طبیعت‌گردی در ایران زمین.

13. Akai, N. and Sakata, M. (2005). Fiscal decentralization, commitment, and regional inequality: Evidence from state-level, cross-sectional data for the United States. CIRJE discussion paper 315. University of Hyogo and Osaka International University.

14. Alam, M. S. and Paramati, S. R. (2016). The impact of tourism on income inequality in developing economies: Does Kuznets curve hypothesis exist? **Annals of Tourism Research**, 61:111–126.
15. Bartik, T. J. (1991). **Who benefits from state and local economic development policies?** Books from Upjohn Press.
16. Blake, A., J. S. Arbache, M. T. Sinclair and V. Teles (2008). Tourism and Poverty Relief, **Annals of Tourism Research**, 35(1): 107-126.
17. Bonet, J. (2006). Fiscal decentralization and regional income disparities: Evidence from the Colombian experience. **The Annals of Regional Science**, 40(3): 661–676.
18. Goymen, K. (2000). Tourism and governance in Turkey. **Annals of Tourism Research**, 24(4):1025–1048.
19. Haddad, E. A., Porsse, A. A. and Rabahy, W. (2013). Domestic tourism and regional inequality in Brazil. **Tourism Economics**, 19(1): 173–186.
20. Hoshino, M. (2011). Measurement of GDP per capita and regional disparities in China, 1979–2009. Discussion paper series. Research Institute for Economics and Business Administration, Kobe University.
21. Kadiyali, V. and Kosová, R. (2013). Inter-industry employment spillovers from tourism inflows. **Regional Science and Urban Economics**, 43(2): 272–281.
22. Krakover, S. (2004). Tourism development centers versus peripheries: The Israeli experience during the 1990s. **International Journal of Tourism Research**, 6(2): 97–111.
23. Lee, J. E. (2006). Inequality and Globalization in Europe, *Journal of Policy Modeling*, 28(7): 791-796.
24. Lessmann, C. (2009). Fiscal decentralization and regional disparity: Evidence from cross-section and panel data. **Dresden discussion paper in economics**, No. 08/09.
25. Liargovas, P., Giannias, D. and Kostandopoulos, C. (2007). An assessment of the community support framework (CSF) funding towards the tourist sector: The case of Greece. *Regional and Sectoral Economic Studies*, 7(1): 47–66.
26. Li, H, Li Chen, Jason, Li, Gang, Goh, Carey. (2016). Tourism and regional income inequality: Evidence, from China, **Annals of Tourism Research**, 58: 81–99.
27. Lyons, T. P. (1991). Interprovincial disparities in China: Output and consumption, 1952–1987. **Economic Development and Cultural Change**, 39(3): 471–506.
28. Masse, P. (2001). **Trade, Employment and Wages: A Review of the literature**, Human Resources Development Canada.
29. Massidda, C. and Etzo, I. (2012). The determinants of Italian domestic tourism: A panel data analysis. **Tourism Management**, 33(3): 603–610.
30. Proenca, S. and Soukiazis, E. (2008). Tourism as an economic growth factor: **Acas**: 791–806.
31. Qiao, B., Martinez-Vasquez J. and Xu, Y. (2002) Growth and equity trade off in decentralization policy: China's experience. Working paper, 02-16. Andrew Young School of Policy Studies, Georgia State University, Atlanta.
32. Seckelmann, A. (2002). Domestic tourism—A chance for regional development in Turkey? **Tourism Management**, 23(1): 85–92.
33. Sinclair, M. T. (1998). Tourism and economic development: A survey. **The Journal of Development Studies**, 34(5): 1–51.
34. Song, Y. (2013). Poverty reduction in China: The contribution of popularizing primary education. **China & World Economy**, 20(1): 105–122.
35. Stabler, M. J., Sinclair, A. and Papatheodorou, M. T. (2010). **The economics of tourism**. Abingdon: Routledge.

36. Wei, Y. D. (2015), Spatiality of regional inequality, **Applied Geography**, 61: 1-10.
37. Wen, J. and Tisdell, C. (1996). Spatial distribution of tourism in China: Economic and other influences. **Tourism Economics**, 2(3): 235–250.
38. Williams, A. and Shaw, G. (Eds.). (1991). **Tourism and economic development: Western European experiences**. London: Belhaven Press.